جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه
۵

یکشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۱ شماره ۶۲۵۲

پیام تسلیت رئیس رسانه ملی به مناسبت درگذشت سبا بابایی

۸

اولین تصاویر از بازیگر نقش سلمان فارسی منتشر شد

شجاع نوری راهی بیزانس شد

۸

علیرضا شجاع نوری نقش سلمان فارسی را بازی می کند

در گفت‌وگوی «جام جم» با علیرضا بذرافشان فیلمنامه‌نویس بررسی شد

تقابل جوانان با مافیا در سریال‌های علمی

۶

«نسیما»، تنها دوربین مخفی صداوسیما

۶

برای حفظ منافع کتابفروشان در کنار ناشران چه باید کرد؟

کتاب بی‌پایان مشکلات صنعت نشر

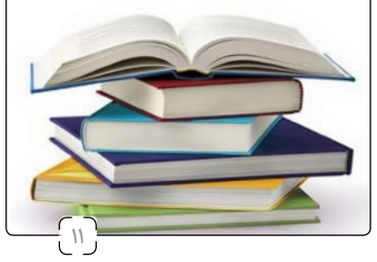

۱۱

نگاهی به فیلم «بدون قرار قبلی» ساخته بهروز شعیبی

یک فیلم معنوی تاثیرگذار

۹

گفت‌گو با اردشیر صالح‌پور، کارگردان و پژوهشگر تئاتر

نفت باعث ایجاد لیبرالیسم فرهنگی در جنوب شد

۱۰

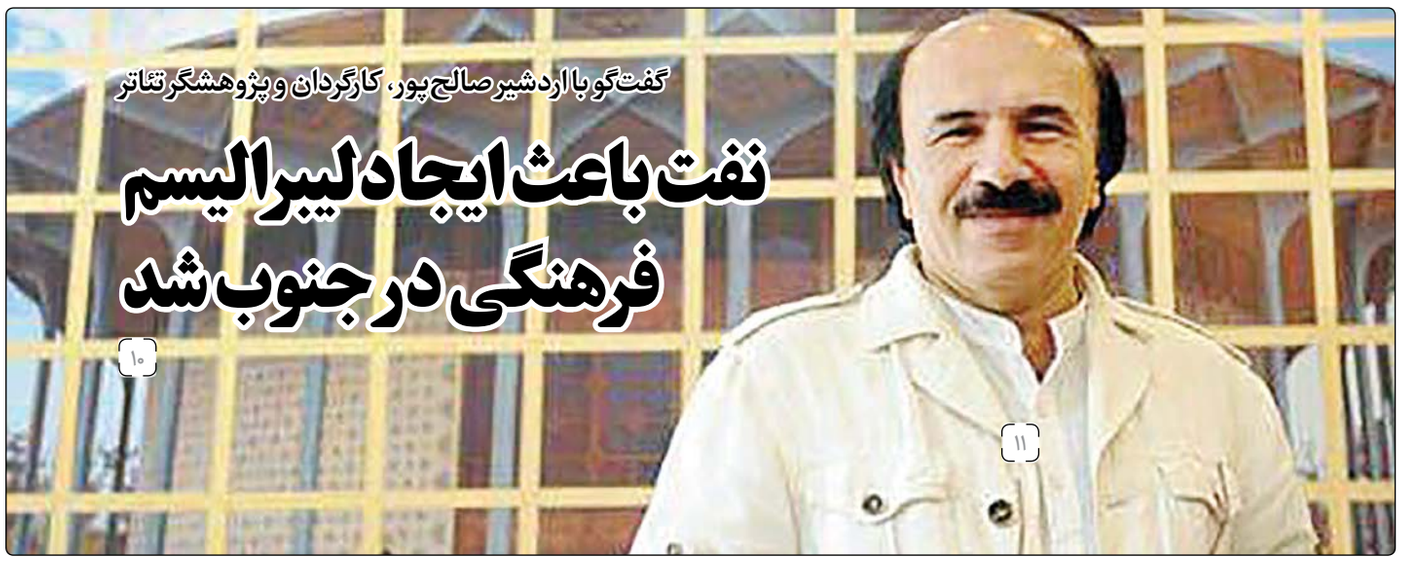

۱۱

سیدمحمدرضا حسینی‌بای در گفت‌وگو با «جام جم»

می‌گویند مثل پژمان جمشیدی هستم!

اصولا عامه مردم تصور می‌کنند خبرنگاران برای تهیه خبر و گزارش و مصاحبه به هر جایی سرک می‌کشند و تا به نتیجه رسیدن هم دست از تلاش برنمی دارند. محمدرضا حسینی‌بای، خبرنگاری که او را بیشتر با گزارش‌های طنزش می‌شناسیم، از همین خبرنگاران است که بازی مقابل دوربین را تجربه کرده‌است.

۷

موفقیت‌های زنان ورزشکار کشورمان از دید رسانه‌ها مغفول ماند

زنان، ستارگان این روزهای دنیای ورزش

۱۲

تلنگر

لااقل در کلاس‌های نهضت سوادآموزی شرکت کنید!

سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما

موضوع صادر نشدن پروانه‌نمایش برای فیلم «برادران لیلا»، ناخودآگاه موجب شد خیلی از پرده‌های قانون‌شکنی و بی‌سوادی و اصلاح‌طلبی و زیرپاگذاردن حقوق مردم و... برافتد که شاید به یکباره چنین پرده برافتادن توسط خود حضرات مدعی بسیار بعید بود.

قضیه خیلی ساده و درکش بسیار ساده‌تر بود و اصلا هم به ذوق و هوش سرشار نیازی نداشت. یک فیلم به نام برادران لیلا پیش از دریافت پروانه‌نمایش از سازمان سینمایی، حقوق بین‌المللی فیلم را به کمپانی Wild Bunch فروخته و توسط این کمپانی در بخش مسابقه اصلی جشنواره فیلم کن شرکت داده شده‌است.

چنین اقدامی صریحا در مخالفت با ماده ۵ از «آیین‌نامه نظارت بر نمایش فیلم و اسلاید و ویدئو و صدور پروانه نمایش آنها» مصوب جلسه مورخ ۱۹ مرداد ۱۳۸۲ هیأت وزیران بود. در ماده فوق آمده‌است: «صدور فیلم‌های ایرانی به کشورهای دیگر به منظور فروش، اجاره یا شرکت در جشنواره مستلزم صدور پروانه مخصوص می‌باشد.»

به نظر می‌آید خیلی واضح نوشته شده و نیازی به توضیح و تفسیر اضافی هم ندارد اما تهیه‌کننده فیلم که ظاهرا با سابقه هم به نظر می‌رسد، گفته «ارسال فیلم به جشنواره کن قبل از پروانه نمایش یک روال جاری در سنوات گذشته بوده که مدیریت جدید با آن مخالف بود و ما هم طبق روال مرسوم عمل کردیم.» جل‌الخالق!

یعنی مثلا مدتی به عبور از چراغ قرمز راهنمایی ایراد نگرفتند و جریمه‌ای اعمال نکردند و خودروها همین‌طور با تصادف و برخورد به عابر پیاده و ویراژ دادن و انواع و اقسام قانون‌شکنی‌ها از چراغ قرمز رد شده و حقوق دیگران را هم پایمال کردند. حالا اگر بعد از این مدت، قانون‌مداری حاکم شده و جریمه وضع شود، آیا باید به آن اعتراض کرد یا آن را نادیده گرفت و همچنان بی‌خیال از چراغ قرمز عبور کرد؟! یا در یک جلسه امتحان مدرسه‌ای، ناظری برخلاف قانون به امتحان‌دهندگان سخت نگرفته و اجازه دهد شاگردان از روی کتاب و دست همدیگر و رد و بدل کردن ورقه‌ها و... تقلب کنند، حالا ناظر دیگری آمده که براساس قانون عمل می‌کند و اجازه تقلب (یا نادیده گرفتن و پایمال کردن حقوق دیگران) را نمی‌دهد؛ آیا باید آن قانون‌شکنی را روال مرسوم دانست و برقراری مجدد قانون را برنتابید؟!

بگذریم که به رغم اذعان به برقراری قانون، بازهم بر قانون‌شکنی خود اصرار کرده و فیلم برادران لیلا را بدون پروانه نمایش در جشنواره مونیخ به نمایش درآوردند. البته تقصیری هم ندارند، وقتی همه حقوق پخش فیلم را به یک کمپانی خارجی بفروشید، دیگر دست شما نیست که کجا ببرد و کجا نبرد و کجا نمایش دهد. آن کمپانی می‌تواند فیلم شما را حتی در اسرائیل هم پخش کند.

شبه فیلمساز ورشکسته‌ای که با تک فیلم تقلیدی کسالت‌بارش حتی حامیان خود را هم ناامید کرد، در اعتراض به صادرنشدن پروانه نمایش برای برادران لیلا، نوشته اصلا «کی گفته فیلم برای شرکت در جشنواره‌های خارجی نیاز به پروانه نمایش دارد؟ کجا نوشته؟ چرا نوشته؟ ماده ۵ کدام آیین‌نامه؟ کدام عقل متفکری این آیین‌نامه را نوشته؟ کدام کارشناسی؟ با چه استدلالی؟... باید روشن کنید این آیین‌نامه از کجا آمده...؟!»

طرفه آن‌که مشکل همه این پرسش‌های بجا و نابجا فقط با قدری سواد خواندن و نوشتن حل می‌شود. نیازی به دانش آنچنانی ندارد. آیین‌نامه در همان صفحه وب‌سایت سازمان سینمایی که برای ثبت فیلمنامه می‌روند، وجود دارد و اگر مکان و تاریخ تصویبش را نگاه کنند، مشاهده می‌کنند مربوط به هیات‌وزیران همان دولتی است که زمانی برایش آفتاب بالانس می‌زدند و یقه می‌دراندند و گریبان چاک می‌کردند و احتمالا همین الان هم برایش قسم می‌خورند. متاسفانه همان مغزهای متفکر و بقایای آنها در دولت‌های بعدی چنین مدعیانی را به صحنه سینما آوردند و فیلم بی‌در و پیکر و پا در هوایش را نه تنها به جشنواره فجر برده که شوربختانه به آن جایزه هم دادند. اگرچه او به همه شان و کلیت جشنواره بی‌احترامی کرد، ولی حداقل صادقانه این حقیقت را اعتراف کرد درون فیلم الکن و کپی‌کار شده ناقصش هیچ نگاه نویی به چشم نمی‌خورد.

به نظر می‌آید اشکال کار این حضرات مدعی، نخواندن آیین‌نامه‌های مربوط باشد که با وجود در دسترس بودن آنها، احتمالا از خواندنش عاجز بوده‌اند؟! شاید ورای همه آن اظهارنظرهای فضایی و بی‌پایه، مطلوب‌تر این باشد که سواد خواندن و نوشتن پیدا کنند. خوشبختانه هنوز کلاس‌های نهضت سوادآموزی برقرار است و حالا که این مدعیان در سینما و فیلمسازی گلی به سر کسی نزده و به کلی مردود شده‌اند، لااقل در کلاس‌های نهضت سوادآموزی شرکت کنند، شاید با یادگیری الفبای خواندن و نوشتن، حداقل مشکلات خودشان را حل کنند.

یادداشت

تلاش غرب برای القای الگوی خاص توسعه در جهان

دکتر محمد آزین
عضو هیات امنای باشگاه تعلیم‌وتربیت یونسکو ایران

فرهنگ‌وآموزش به‌عنوان عناصر زیربنایی هر تمدنی، ازجمله ابزارهای کارآمد در میدان تعامل و رقابت میان تمدن‌ها هستند. تمدن غرب که الگویی خاص از توسعه را برگزیده و پیروی از آن را به کشورهای خارج از حوزه تمدنی خود نیز توصیه و تحمیل می‌کند، از این دو ابزار در مسیر تحقق سیطره فرهنگی خود بر جهان استفاده می‌نماید. زیرکی راهبران تمدنی در غرب آن است که نهادینه‌کردن ارزش‌ها و عناصر فرهنگی خود را تحت عنوان یک الگوی جهانی به‌گونه‌ای ویژه طرح‌ریزی کرده و به پیش می‌برند که گویی خواسته همه ملت‌ها همین الگوی واحد است.

فرآیند نهادینه‌سازی فرهنگی طی چند دهه انجام می‌شود. گاه این فرآیند از نقطه‌ای که ارزش‌های قصدشده حتی در جوامع غربی نیز مورد پذیرش عموم مردم و نخبگان نیستند آغاز شده، با گذر از مراحلی چون تولید ادبیات علمی، همراه‌کردن معدودی از نخبگان، ضریب‌دادن به اقلیت‌های طرفدار دیدگاه قصدشده و مطالبه‌گری ایشان، اعمال تغییرات در زیرساخت‌های حقوقی، الصاق برچسب‌های ارزشی اصیل و مطلوب براهداف قصدشده، و بهره‌گیری از ابزارهای عامه‌پسند مانند ورزش، پویانمایی و فیلم و سریال، به نقطه‌ای می‌رسد که در آن ضدارزش‌ها را به ارزش‌های بدیهی جوامع تبدیل می‌کنند. تنها یک نمونه از تحول ارزشی ایجادشده توسط نقش‌آفرینان تمدن غرب در باورهای عمومی بسیاری از جوامع، عادی‌سازی همجنس‌بازی و تبدیل دفاع از حقوق همجنس‌بازان به یک ارزش درجه اول است. این‌که چطور یک ضدارزش طی حدود ۷۰ سال به یک ارزش غیرقابل انکار تبدیل می‌شود، تا جایی‌که آشنایی با آن در برنامه درسی اجباری مهدهای‌کودک قرار داده می‌شود، در جای خود قابل مطالعه است. تمدن غرب در تلاش است الگویی خاص از توسعه را بر جهان تحمیل کند و برای این یکسان‌سازی جهانی از مفاهیمی زیبا و ابزارهایی نرم سوءاستفاده می‌کند؛ مفاهیمی چون صلح، گفت‌وگو، حقوق بشر، برابری و دموکراسی و ابزارهایی چون رسانه‌ها، مجامع جهانی، فروم‌ها و ورزش و هنر. داشتن جهت‌گیری مشخص، برنامه‌ریزی و تلاش طولانی‌مدت، بهره‌گیری از فنون طراحی‌های نرم، نهادسازی و هزینه‌کردن برای تربیت و بهره‌گیری از نخبگان ازجمله دلایل موفقیت نسبی غرب در جهانی‌سازی فرهنگ مبتنی بر ارزش‌های کاملا مادی است.

اهمیت حضور در سمینار دگرگونی آموزش در پساکرونا

علما و اندیشمندان ایرانی نیز در ادامه نهضتی که توسط پیامبر گرامی اسلام(ص) و اهل‌بیت(ع) آغاز شد و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم معنوی دین اسلام، و ایجاد نهادهای نرم تمدنی موفق به پایه‌ریزی دورانی طلایی در تمدن اسلامی ـ ایرانی طی سده‌های متمادی شده‌اند. دورانی درخشان که سبب غبطه‌خوردن پادشاهان و اندیشمندان ممالک غربی و سرازیر شدن دانش و فرهنگ و سبک‌زندگی از تمدن اسلامی به سوی سرزمین‌های غربی بود. با وجود بهره‌مندی ایران از این عقبه غنی تمدنی، طی حدود سه قرن گذشته درخشندگی تمدنی ایران کم‌فروغ شده بود. در چنین شرایطی وقوع انقلاب اسلامی ایران نقطه آغازی بر بیداری مجدد تمدن ایرانی ـ اسلامی و انتشار رایحه معنویت در سطح جهان و مایه امیدواری مسلمانان و مستضعفان جهان شد. دست یافتن به‌آرمان تمدنی انقلاب اسلامی که بیداری و آزادی بشریت از چنگال قدرت‌های مادی است، نیازمند ورود جدی دولت و کنشگران مردمی حوزه تمدن ایرانی ـ اسلامی به عرصه تعامل مدبرانه با مردم جهان و دولت‌های دیگر و گسترش طراحی‌های تمدنی برگرفته از معنویت الهی و کرامت انسانی است. آیا در جایی که تمدن رقیب با طراحی‌های دقیق و تلاش مجدانه روی ضدارزش‌ها اجماع جهانی ایجاد می‌کند، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند روی ارزش‌ها و خواسته‌های مشترک بسیاری از فرهنگ‌ها و کشورها مانند کرامت انسانی، تربیت اخلاقی، ارزش‌های خانوادگی یا ارزش‌های فرهنگی بومی کشورها اجماع‌سازی نماید؟ اسلام، جهانیان را به توحید دعوت می‌کند و بر این مبنا، ورود فعالانه، عالمانه و مومنانه و نه منفعلانه، سطحی و از روی خودباختگی به صحنه تعاملات بین‌المللی، اثرگذاری مثبت بر فضای فرهنگی بین‌المللی را برای حوزه تمدن ایرانی ـ اسلامی به همراه خواهد داشت.

اقدام صحیح و امیدبخش اخیر دولت و وزارت آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی ایران در عرصه کنشگری بین‌المللی مبنی بر حضور هیاتی کارآشنا در «پیش‌سمینار دگرگونی آموزش در پساکرونا» در پاریس حرکتی قابل‌تقدیر است. امید است این اقدام مهم برخلاف عملکرد انفعالی برخی از مسؤولان گذشته، با رویکردی فعال و مبتنی بر ارائه دستاوردهای بومی جمهوری اسلامی و همچنین بیان مواضع تخصصی و اصولی نظام آموزش‌وپرورش ایران همراه بوده و سرآغازی بر ورود جدی جمهوری اسلامی ایران به عرصه کنشگری و اثرگذاری در حوزه تعلیم‌وتربیت در فضای بین‌الملل باشد. برای حرکت در مسیر بازیابی شکوه تمدنی گذشته، گریزی از حضور فعالانه دولت جمهوری اسلامی ایران و نهادهای عمومی و موسسات مردم‌نهاد کشور در عرصه‌های بین‌المللی و نقش‌آفرینی فعالانه در پاسخگویی به نیازهای حال و آینده جهان در عرصه آموزش و فرهنگ مبتنی بر مبانی دینی و تمدنی وجود ندارد. هرچند حتما در پیمودن این مسیر نو نقص‌هایی وجود خواهد داشت و خطاهایی پیش خواهد آمد و کنشگران بین‌المللی تعلیم‌وتربیت حوزه تمدنی ایرانی ـ اسلامی با مخالفت‌ها و فشارها مواجه خواهند شد اما نباید از ملامت ملامت‌گران و آنان‌که به‌دلیل فهم ناصحیح از اهمیت کنشگری بین‌المللی یا براساس حب و بغض‌های سیاسی یا منافع فردی این حرکت را با بهانه‌های سطحی تخریب می‌کنند و خواهند کرد، دلسرد شد. باید به این مهم توجه داشت که لازمه کنشگری پایدار و موثر در فضای بین‌الملل افزایش سطح تحمل و نزدیک‌شدن به یک اجماع ملی در این حوزه و افزایش مدارا در فضای داخل و پرهیز از برچسب‌زنی‌ها و کنش‌های سیاسی و گره خوردن این امر مهم به رفت‌وآمد دولت‌هاست.